

نمایشگاه هنرهای تجسمی «نیمروز» در فرهنگسرای نیاوران ایران با موضوع هنر افغانستان

خود هنرمندان هم رابطه‌ای با هم نداشتند و هرکدام در گوشه‌ای از دنیا مشغول به کار بودند. هشت ماه طول کشید تا این افراد را پیدا کردم و ارتباط گرفتم. هفت ماه هم صرف ویزا گرفتن و هماهنگ کردن کارهای نمایشگاه گذشت تا این نمایشگاه برگزار شد.

ایشان هدف از برگزاری این نمایشگاه را چنین بیان می‌کند: «نزدیک کردن هنرمندان دو کشور با تاریخ و فرهنگ مشترک، شناساندن هنرهای تجسمی کمتر شناخته‌شده افغانستان، احیای هویت و نمایش توانمندی به نسل‌های جوان‌تر افغانستان جزء اهداف اصلی برگزاری نمایشگاه محسوب می‌شوند. تعدد هنرمندان و آثار این نمایشگاه، نیمروز را به یک پدیده و اتفاق هنری تبدیل کرد؛ چرا که از یک سو چنین نمایشگاهی از هنرهای تجسمی معاصر افغانستان در تمام جهان تا به امروز بی‌سابقه بوده است و نقطه‌عطفی در هنر معاصر افغانستان است و از سوی دیگر در ایران مشابه آن برای هنرمندان تجسمی کشور دیگری نظیر نداشته است و فتح بابی است برای نمایشگاه‌های مشابه.»

مریم کوهستانی در ادامه سخنانش می‌گوید: «ایرانیان شناخت و تصور درستی از جامعه افغانستان ندارند و یک شناخت تک‌بعدی از آن‌ها به عنوان کارگر در ذهن‌شان مانده است؛ اما این نمایشگاه توانسته است تأثیر خوبی روی تغییر نگاه مخاطب بگذارد و همین‌طور، بسیاری از ما هنر افغانستان و هنرمندانش را نمی‌شناسیم. دید مان به مهاجران فقط به عنوان کارگر

نیمروز؛ نمایشگاه هنرمندان افغانستان در حوزه هنرهای تجسمی در تهران، ایران است که با حمایت مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موزه هنرهای معاصر، کمیسیون ملی یونسکو- ایران، بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران و با همکاری سفارت افغانستان در تهران، در تاریخ ۱۲ تا ۲۶ آبان ۱۳۹۶ از ساعت ۱۰ تا ۲۰ در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد. در این نمایشگاه ۱۳۰ اثر در شاخه‌های نقاشی، نقاشی خط، مجسمه، عکس، ویدیو و اینستالیشن از ۵۳ هنرمند مطرح افغانستانی از کشورهای فرانسه، آذربایجان، آلمان، آمریکا، استرالیا، افغانستان، ایران، پاکستان، سوئد، نروژ و هلند به نمایش درآمدند. هدف از برگزاری این نمایشگاه نزدیک کردن هنرمندان دو کشور ایران و افغانستان با تاریخ و فرهنگ مشترک، شناساندن هنرهای تجسمی کمتر شناخته‌شده افغانستان، احیای هویت فرهنگی و نمایش توانمندی به نسل‌های جوان‌تر افغانستان عنوان شده است.

مریم کوهستانی، هنرمند مجسمه‌ساز ایرانی که مدیر هنری و اجرایی نخستین نمایشگاه سراسری هنرهای تجسمی افغانستان با عنوان «نیمروز» است، درباره برگزاری این نمایشگاه می‌گوید: «در سفری که به افغانستان داشتم و چند ماه در آن‌جا زندگی کردم، تصمیم گرفتم نمایشگاهی از آثار هنرمندان افغانستان در ایران برپا کنم. وقتی ایده‌ام را مطرح کردم، همه گفتند مگر افغانستان هنرمند دارد؟ در نهایت هم چند نفر را بیشتر نمی‌شناختم.



آثاری از محسن تاشه

پیکره‌های فرهنگی ایران بزرگ، افغانستان امروز است که این دو کشور بیش از دو هزار سال اشتراکات فرهنگی دارند و امروز در این نمایشگاه شاهد این اشتراکات در هنر معاصر این کشور هستیم.

علی مرادخانی، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این مراسم گفت: «خوشحالم که هنرمندان افغانستانی از سراسر دنیا آن‌چه که سال‌های سال در نگاه و ضمیر خود داشته‌اند در این نمایشگاه در معرض دید هنردوستان قرار داده‌اند. ما آمال و آرزوهای این هنرمندان را به وضوح در آثار به نمایش درآمده در این نمایشگاه می‌بینیم».

در ادامه کار نمایشگاه، مرتضی هراتی که در حوزه عکاسی خیابانی و مستند فعالیت می‌کند به خبرنگار آنا تولی می‌گوید: «نمایشگاه اولین حرکت درستی است که می‌تواند هنر و فرهنگ افغانستان را نه تنها برای مهاجران ساکن ایران، بلکه برای ایرانیان معرفی کند؛ چرا که آن چیزی که ایرانیان از تلویزیون می‌بینند به‌طور کامل با فرهنگ و هنر معاصر متفاوت است. هنر معاصر افغانستان در حال رشد است و زندگی در آن جریان دارد. خوشحالم به عنوان کسی که در افغانستان زندگی می‌کند، واقعیت زندگی کشورم را به جامعه ایران معرفی می‌کنم».

محمد شهاب اسلامی، عکاس، فیلم‌ساز و منتقد فیلم از افغانستان و یکی از برگزارکنندگان نمایشگاه نیمروز در بخش رسانه، به خبرنگار آپرس درباره این نمایشگاه می‌گوید: «این اتفاقی که تمام هنرمندان افغانستان از سراسر جهان گردهم آمدند، در زیر یک پرچم به نام هنر، یک حرکت نمادین و فراتر از سیاست و مسائل جامعه‌شناسی است و نشان می‌دهد که وحدت مردم افغانستان از طریق هنر می‌تواند یک نمونه برای بخش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باشد».

ایشان در ادامه می‌افزاید: «متأسفانه در کشوری مثل ایران به علت شرایط جنگی افغانستان، مهاجرین یک تصویر جنگ‌زده را از خود به این کشور آورده‌اند؛ اما امروز مردم ایران و جهان متوجه یک تصویر رنگی، شفاف و

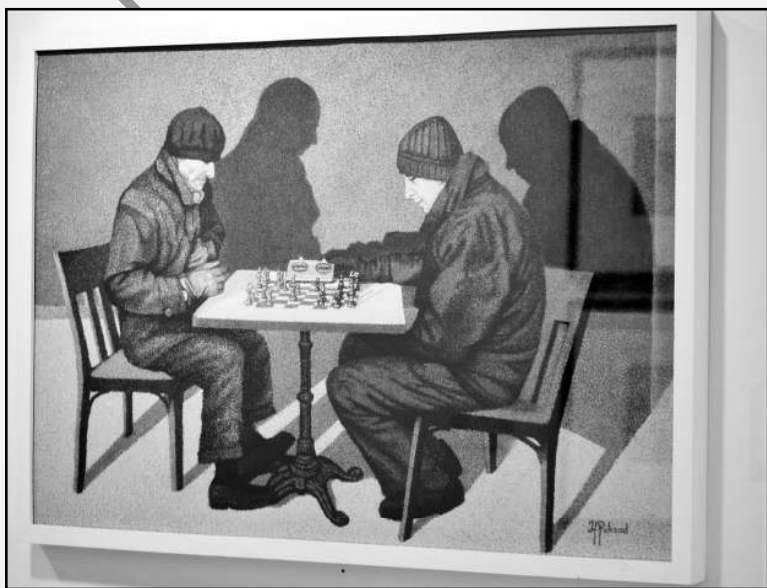
است؛ اما جالب است بدانید در بین هنرمندان بزرگ و بین‌المللی که در این نمایشگاه شرکت کردند، هستند افرادی که روزی در ایران کارگری می‌کردند؛ اما اکنون همه دنیا آن‌ها را به عنوان هنرمند می‌شناسند».

مریم کوهستانی درباره تأثیر این نمایشگاه در بین مهاجران افغانستان ساکن ایران می‌گوید: «تأثیر اجتماعی این نمایشگاه بر روی مهاجران برای من خیلی مهم بود. این‌که ببینند و ببینند حدود دو هزار نفر برای افتتاحیه نمایشگاه هنرمندان هم وطن‌شان آمده‌اند و چه جایگاهی پیدا کرده‌اند. همچنین کودکان کار هم که به این نمایشگاه آمدند، اعتماد به نفس خوبی گرفتند و پی بردند که آن‌ها هم می‌توانند روزی هنرمند شوند».

در مراسم افتتاح نمایشگاه هنرهای تجسمی «نیمروز» سیدعباس سجادی، مدیرعامل بنیاد آفرینش‌های نیاوران ضمن یادآوری از همدلی و همراهی مردم ایران و افغانستان گفت: «در زیر گرد و غبار جنگ افغانستان گنجی هست که بخشی از آن در این نمایشگاه در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته است. این نمایشگاه آثار ۵۳ هنرمند افغانستانی در حوزه هنرهای تجسمی است که ۱۳ نفر از این هنرمندان ساکن افغانستان و ۴۰ نفر از آنان ساکن کشورهای دیگر هستند».

مهنام، معاون اجتماعی یونسکو درباره نمایشگاه هنرهای تجسمی «نیمروز» گفت: «یکی از وظایف اصلی یونسکو در جهان و ایران این است که تا حد امکان از برگزاری این‌گونه برنامه‌های تأثیرگذار فرهنگی و هنری حمایت کند. در دنیای امروز که تنها خشونت و نظامی‌گری دیده می‌شوند، ابزار هنر یکی از تأثیرگذارترین روش‌ها برای ارتباط و تعامل بیشتر فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... میان ملت‌های مختلف است».

مجید ملانوروزی، مدیرکل هنرهای تجسمی وزارت ارشاد نیز در سخنانی با ذکر این نکته که: «بی‌تردید نمی‌توان در مورد هنر ایران صحبت کرد و به افغانستان، هندوستان و آذربایجان نپرداخت و متأسفانه در این سال‌ها بیشتر به سمت هنر غرب رفتیم و اطراف خود را ندیده‌ایم، یکی از مهم‌ترین



شطرنج باز اثر حفیظ پاکزاد

این هنرمند ایرانی، در گفت‌وگو یا خبرگزاری فرهنگ تأکید می‌کند: «می‌خواهیم با زبان هنر مرزها و فاصله‌ها را بشکنیم تا جامعه مهاجر و جامعه ایران بتوانند ارتباط بیش‌تری با یک‌دیگر داشته باشند و بتوانند کارهای هنری بهتری را بعد از این انجام دهند».

ایشان در ادامه می‌گوید: «در این نمایشگاه، آثاری از جنگ و خشونت، به‌نمایش گذاشته نشده است؛ بلکه نگاه به هنر در این نمایشگاه برپایه هنر خلاقانه استوار است».

ایشان به این باور است که: «آوردن هنرمندان افغانستان از سراسر دنیا به ایران، مانند این است که پاره‌ای از تن خود را که از من دور بوده است، به بدن برگردانم تا بدلم بتواند به‌درستی کار کند و هم‌چنین حضور هنرمندان افغانستان از کشورهای مختلف و در جایگاه اجتماعی خیلی ارزشمند در تهران، می‌تواند این عزت نفس و حس هویت اجتماعی را به مهاجران برگرداند».

باری، باقر احمدی درباره این نمایشگاه می‌نویسد: «هنرمندان افغانستان در این نمایشگاه را به دو شاخه تقسیم می‌کنم: یک، هنرمندانی که بیرون از افغانستان بود و باش داشتند و دارند و آثار هنری‌شان متأثر از دوره طالبان است. دو، هنرمندانی که از درون فضای حاکم بعد از ۲۰۰۱ در افغانستان بیرون آمده‌اند و متأثر از دوره بعد طالبان هستند. دسته اول ریشه فکری تولید آثار هنری را در غرب یا بیرون از افغانستان دنبال کرده‌اند. در کنار این نگاه، واقعه یازده سبتمبر در کنار دگرگون ساختن ساختار و متن سنتی زندگی افغانستانی، متن زندگی معاصر و هنر جدید را وارد ساختار نوپا و تازه افغانستان کرد. هنرمندانی که در بیرون بودند، فعالیت‌های هنری چشم‌گیری نداشتند، به یک‌باره افغانستان جدید را زمینه تعمیم دادن طرح‌های هنری خود یافتند؛ افغانستان به یک معنی کارگاه هنری آن‌ها شد. وقتی زندگی‌نامه این هنرمندان را مطالعه کنیم، علامتی مانند حرف L را در آن‌ها مشاهده می‌کنیم که نشانی از برگشت دوباره آن‌ها به افغانستان است. از علت‌های

متفاوت از افغانستان می‌شوند، این تصویر می‌تواند گویا باشد و از مردمی نمایندگی کند که همیشه در جنگ نیستند؛ بلکه دارای ارزش‌ها و ویژگی‌های به‌خصوصی‌اند.»

مریم کوهستانی، برگزارکننده و گرداننده نمایشگاه نیمروز در گفت‌وگو با خبرنگار آپرس، پیرامون زمینه‌سازی برای معرفی و فروش آثار هنرمندان افغانستان می‌گوید: «برایم خیلی مهم بود یک سایتی وجود داشته باشد تا هر کسی از هرجای دنیا، خیلی راحت به اطلاعات هنر معاصر افغانستان دست یابد. بر این اساس سایتی را طراحی کردم که همه هنرمندان افغانستانی می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند، به نام «نیمروز اکسپوز دات کام».

وی در ادامه می‌گوید: «وقتی که بحث فروش اثر هنری جدی گرفته نشود، هنر نمی‌تواند قدرت پیدا بکند، افغانستان جزء معدود کشورهای است که در هراج‌های هنری بزرگ دنیا مثل کریستیز و ساترپی و... حضور ندارد، به همین دلیل تلاش و امیدم این است که روزی افغانستان به عنوان یک کشور واحد و به عنوان یک جریان واحد هنر معاصر، در این هراج‌ها حضور داشته باشد».

مریم کوهستانی درباره گردآمدن هنرمندان در این نمایشگاه می‌گوید: «جمع‌آوری هنرمندان از سایر نقاط جهان و برگزاری این نمایشگاه کار دشواری است و تلاش فراوان می‌طلبد». ایشان ادامه می‌دهد که می‌خواستم با برگزاری این نمایشگاه تنها بدون هیچ قضایای فضاوی فراهم بسازم که هنرمندان بتوانند باهم آشنا بشوند و این اندام تکه‌تکه شده را یک‌بار به صورت یک کل و یک پارچه ببینند، با واقعیت هنر معاصر کشورشان مواجه بشوند و آگاهانه تصمیم بگیرند که این جریان را به چه سمت و سویی هدایت کنند». کوهستانی درباره هنر هنرمندان افغانستان به خبرگزاری فارس می‌گوید: «از دید من هنر افغانستان هم چون گیاه زیبا و نایابی است در خاکی نابارور که با این همه، همچنان مصرانه بر ریشه‌های عمیق خود تکیه دارد و ابد قصد تن دادن به دشواری‌های موقعیت حاکم را ندارد و شرایط پیچیده یک جامعه پیچیده را تمام و کمال به نمایش می‌گذارد که بیش از هر چیز نمایانگر جلوه‌گری، ارزش و زیبایی مقوله هنر در افغانستان است و از سوی دیگر اشاره دارد به اهمیت نیاز به رسیدگی و توجه جدی، چرا که هرچیزی هرچند قدرتمند، شکنندگی خاص خود را دارد و با توجه به شرایط حاکم اگر چه هنوز برخی از هنرمندان اصرار بر حفظ وطن دارند؛ اما هر روز به تعداد افرادی که مجبور به ترک آن نیز می‌شوند، افزوده شود».

کوهستانی درباره چاپ کتاب نمایشگاه سراسری هنرهای تجسمی افغانستان با عنوان «نیمروز» در ادامه می‌گوید: «یکی دیگر از برنامه‌های مهم این نمایشگاه چاپ کتابی است با عنوان نیمروز که در آن تا آن‌جا که برایم میسر بود، تلاش کردم تمامی هنرمندان مطرح و فعال در حوزه هنرهای تجسمی افغانستان از نقاشی و عکاسی گرفته تا پرفورمنس و ویدیو آرت را در این کتاب با اطلاعات کامل و به همراه تصاویر تعدادی از آثارشان معرفی کنم. انگیزه اصلی من برای چاپ این کتاب نخست مشقت‌هایی بود که به شخصی برای شناختن هنر و هنرمندان افغانستان به جان خریدم؛ زیرا هیچ الگو و نمونه پیشینی برای شناسایی این هنرمندان وجود نداشت و اما در حال حاضر افرادی که علاقه‌مند به تحقیق و پژوهش در هنر معاصر افغانستان باشند، می‌توانند به این کتاب و همچنین به سایت نمایشگاه نیمروز مراجعه و از اطلاعاتی که به سبختی‌های فراوان جمع‌آوری شده است، استفاده کنند».



علی بابا اورنگ



علی بابا اورنگ

که آن‌ها مطرح می‌کنند حاصل مطالعه و تعمق عمیق در افغانستان نیستند؛ بلکه بر اساس نمونه‌هایی ساخته و پرداخته می‌شوند که مؤسسات خارجی تهیه می‌کنند. چنین است به تدریج که به برگزاری نمایشگاه نیمروز نزدیک می‌شویم، بورس‌های هنری وارد افغانستان می‌شوند و هنرمندان چشم و دید بازتری نسبت به هنر در افغانستان پیدا می‌کنند. یکی از نتایج این بورس‌های هنری این بود که گزاره‌های هنری و فرهنگی دوباره تعریف شدند؛ از این پس نابودی بت‌های بامیان، به‌عنوان حذف هویت تاریخی نیست؛ بلکه به‌عنوان حذف تصویر هنری از تاریخ افغانستان مطالعه می‌شود و کلیت به‌جای هویت قرار می‌گیرد. از این لحاظ نمایشگاه نیمروز بسیار مهم و اساسی است. دوم؛ هر ستون زیر سقف جامعه افغانستان باید از همدیگر تشخیص شود، آن‌چه در چند سال پیش از دست داده بودیم، دوباره باید به آن‌ها برگردانده شود. بدین صورت تصویر هنری در افغانستان جنگ نیست؛ بلکه تصویری از حذف جنگ است و نمایشگاه نیمروز خوانش متن این تصویر است».

ایشان در ادامه می‌گویند: «نیمروز مهم‌ترین نمایشگاه در تهران در جریان شانزده سال هنر در افغانستان است. این نمایشگاه نقدی است بر متن هنری در افغانستان. من طرفدار این فکرم که درون مایه‌های نمایشگاه را اگر باز بگذاریم، تصویر آن، خودش را به جریان ذهن مخاطب می‌سپارد. نیمروز و فردای آن مهم است؛ زیرا در فردای نیمروز ما می‌توانیم متنی را برای هنر افغانستان دنبال کنیم که یک متن درست و حقیقی باشد. در آن متن باید مفاهیم قدیمی دوباره تعریف شوند و تصویر مبتدای آن متن قرار گیرد. یکی

اصلی دوباره برگشتن این هنرمندان به افغانستان می‌توانیم از هویت، حس دلتنگی و غربت (Nostalgic)، سوژه و شهرت نام ببریم. هویت و سوژه دو علت اساسی در تولید آثار هنری این هنرمندان بوده است؛ لیدا عبدل و امان مجددی دو هنرمندی هستند که آثاری در ساختار چالش هویتی و سوژه جدید ساختند؛ اما در کلیت نگاه هنری، حداکثر هنرمندان شامل این دسته متأثر از دوره طالبان هستند. این تأثیر از نابودی بت‌های بامیان توسط طالبان شروع می‌شود تا تحمیل چادری بر زنان، کشتار و اعدام مردم به‌دست طالبان ادامه می‌یابد.

دسته دوم، شامل هنرمندان جوان، کم‌تجربه و گم‌نام می‌شود. این هنرمندان در گوشه و کنار افغانستان بزرگ شده‌اند، مطالعه خوب از جنگ و کشتار دارند. برعکس هنرمندانی که قبلاً ذکر شدند، اصیل و وطنی هستند؛ اما متفاوت‌اندیش و دگرگون‌اندیش بزرگ شده‌اند. با وجود این که کم‌تجربه هستند، این هنرمندان با تولید دانش هنری از لحاظ کمیته آشنایی بهتری دارند؛ اما تولید دانش را در کیفیت دقیق نمی‌شناسند. آثار این هنرمندان و طرح‌های مفهومی‌شان از دو منبع تغذیه می‌شوند: یک؛ کتاب‌ها و تحلیل‌های نظری، کتاب‌های وارد شده از ایران به افغانستان که حداکثر آن‌ها ترجمه هستند. دو؛ پول و پروژه‌های کشورهای غربی که به بخش فرهنگ و هنر اختصاص داده شده است.

به دیگر سخن، سقوط طالبان در افغانستان نقطه شروع جدید هنر معاصر در تاریخ افغانستان به شمار می‌آید؛ هنرمندان بعد از این دوره به‌صورت بی‌سابقه کشتار، خشونت و هویت را به چالش کشیدند؛ اما چالش‌هایی



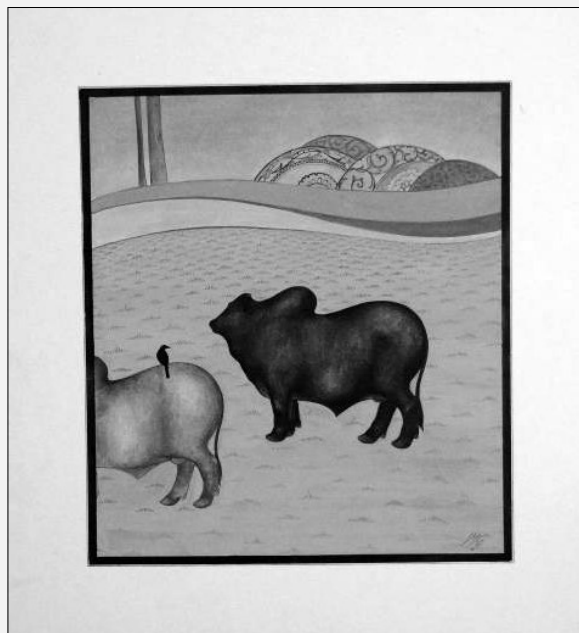
احمد ناصر بیات



شیر علی حسینی



اسرائیل روبا



کیکاووس کمال



خادم علی

از دستاوردهای این نمایشگاه بحث زبان تصویر است». نگار گرامی نماینده برنامه جهانی غذا در ایران، علی بابا اورنگ هنرمند افغانستانی، پروین نوبهار نماینده کانون حمایت از کودکان کار، الیاس علوی، نقاش هنرمند و شاعر افغانستانی و مریم کوهستانی در این نمایشگاه از اهداف برگزاری آن و همدلی و همکاری هنرمندان سخن گفتند و حضور مداوم در این نمایشگاه داشتند.



حامد حسن زاده

اداره نشریه